

«پدر سرمدی»

یک مرد خدا می‌گفت خدا فرقه‌ها و ساختار فرقه‌ای را رها کرده است. این حرف بدین معنی نیست که در فرقه‌ها افرادی که نجات بی‌نظیر مسیح را تجربه کردند وجود ندارد. بلکه بدین معنی است که خدا نمی‌تواند با فرقه‌ها حرکت کند، چون ساختار فرقه مثل یک زندان است که روح‌القدس را در یک چارچوب انسانی حبس می‌کند.

روح‌القدس تنها در فضای کلام و وعده‌های کلام حرکت می‌کند و نمی‌تواند بگذارد او را در ساختارهای فرقه‌ای حبس کنند. عده‌ای در فرقه‌های گوناگون جمع شده‌اند و برداشت‌های شخصی و انسانی را که از کلام داشتند نوشته‌اند و به قوم تحمیل می‌کنند. به‌عنوان مثال؛ اگر روح‌القدس خارج از اساسنامه‌ی فرقه‌هایی مانند کاتولیک یا متدیست یا ایکس و ای‌گرگ، چیزی از کلام آشکار کند، این فرقه‌ها انعطاف لازم برای اصلاح اساسنامه‌های خود را ندارند و آشوبی عظیم بر پا می‌شود.

در مورد (اشعیا ۹ آیه ۶) نیز فرقه‌ها به چنین مشکلی برخورد کردند:

«زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.» (اشعیا ۹: ۶)

شاهدان یهوه که مخالفت جدی با الوهیت عیسی دارند، تمام تلاش خود را می‌کنند تا بگویند عیسی، پدر سرمدی نیست.

کسانی هم که به تثلیث معتقدند، چون باورشان بر این است که عیسی و پدر، دو شخص متمایز هستند، از این آیه و وعده مهم عبور می‌کنند. این گروه هم مانند شاهدان یهوه نمی‌خواهند تسلیم کلام خدا شوند.

اشکال از کتاب مقدس نیست بلکه مشکل اینجا است که این آیه با اساسنامه‌ها و شوراها و فرق‌ها در تضاد است. چون غرور انسانی اجازه نمی‌دهد بیایند و نزد اعضای خود اعتراف کنند که تا کنون اشتباه کرده‌اند. پس به ضدیت با آیه روشن و مصرح کلام خدا برمی‌خیزند. اما فروتن و افتاده‌دل، کسی است که در مقابل کلام خدا سر تسلیم و اطاعت فرود می‌آورد.

اما برسیم به وعده (اشعیا ۹: ۶)؛

درک این وعده، بی‌اندازه مهم و حیاتی است. پس از گناه عدن، رابطه‌ی پدر و فرزندی بین خدا و انسان از میان رفته بود و تنها وعده‌ی بسیار معدودی در عهد عتیق، یک رابطه‌ی خاص را با خدا تجربه می‌کردند. در عهد عتیق، رابطه‌ی پدری خدا با قوم‌اش همچون رابطه‌ی پدری یک رئیس جمهور یا پادشاه با قومش بود. به همین دلیل است که در دعاهای عهد عتیق گفته نمی‌شد: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد.»

اما در عهد جدید بواسطه‌ی پسر، این رابطه برقرار شد. پسر، پدری را که پنهان بود، آشکار ساخت.

«خدا را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد.» (یوحنا ۱: ۱۸)

اما برای اینکه بنا به گفته کتاب مقدس، پدر آشکار شود، نخست باید پسر، که صورت دیدنی خداست ظاهر می‌شد. این بدان معنا است که «تمامی پُری الوهیت» که عیسی «از لحاظ جسمانی» صاحب آن بود، همان پدر سرمدی است.

این رابطه‌ی تازه که از طریق تولد تازه بدست می‌آید، بدون پذیرش اینکه مسیح، همان پدر جاودانی است امکان ندارد. چون در مسیح بود که «پهوه»، نجات دهنده ما شد یعنی یسوعا.

یعنی ما از طریق آمدن پسر، این قابلیت را یافتیم که پسران پدر شویم و پسر باید همان پدر ازلی باشد تا این رابطه برقرار شود.

شیطان به همین دلیل می‌کوشد تا این آیه توسط کلیسا نادیده گرفته شود. زیرا شیطان به خوبی آگاه است که: «حیات ابدی این است که او (خدا) را به‌عنوان خدای یگانه راستین و عیسی مسیح را که او فرستاده است» بشناسند. از طریق این نبوت است که خدای واحد حقیقی که همان پدر ازلی و خدای قدیر است شناخته می‌شود.

یعنی در واقع نبوت (اشعیا ۹: ۶) نویدبخش رابطه‌ی تازه‌ای است که در مسیح میان ما و خدا در یک عهد و پیمان جدید (یعنی خون بره‌ی خدا) برقرار می‌شود. رابطه‌ای که در آن، «روح پسر به ما عطا می‌شود که به آن خدا را ابا می‌خوانیم.»

این روح در عهد عتیق نبود. این روح، مختص عهد جدید است یعنی زمانی که در مسیح پدر ازلی را داریم.

این همان سرّ عظیم دینداری است.

در مسیح پدر را داریم. در مسیح آن مشاور شگفت انگیز را داریم. در مسیح آن خدای جنگاور را داریم. یعنی تمامی پُری الوهیت را در مسیح می‌توانیم شاهد باشیم.

بدون حضور پسر بر زمین، تحقق این وعده، امکان‌پذیر نبود. اما این مژده بزرگ که پدر جاودانی یعنی آفریدگار همه چیز و دارنده آسمانها و زمین آمده است، قلب‌های ایمانداران حقیقی را آکنده از شوق و شادی می‌نماید.

کتاب مقدس می‌گوید:

«او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت.» (یوحنا ۱: ۱۰)

نه فرقه‌ها که بخشی از جهان هستند و نه هیچ‌کس نمی‌تواند این راز بزرگ را درک کند، مگر اینکه بخشی از او باشیم. مگر اینکه دوست او باشیم. از این جهت کلام چنین می‌گوید:

«اما آگاه هستیم که پسر خدا آمده است و به ما بصیرت داده است تا حق را بشناسیم و در حق یعنی در پسر او عیسی مسیح هستیم. اوست خدای حق و حیات جاودانی.» (اول یوحنا ۵: ۲۰) آمین

۵ اکتبر ۲۰۲۰

بهر روز خانجانی